

آثار محکومیت‌های سیاسی بر حقوق آموزشی دانشجویان ایران

جواد محمودی^۱

چکیده

حق بر آموزش در سطح آموزش عالی شامل ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف و شامل حقوق فرعی دیگر مانند بهره‌مندی از خدمات آموزشی، رفاهی، صنفی، انتشار نشریه دانشجویی، تأسیس انجمن‌های سیاسی، صنفی و علمی و نظیر آن است. با این حال، آنان به خاطر ارتکاب جرایم سیاسی از منظر قوانین کیفری و مقررات انضباطی جاری قابل تعقیبند.

پرسش اصلی پژوهش پیش رو آن است که در صورت محکومیت یک دانشجو به خاطر آن جرایم، حقوق آموزشی وی چه سرنوشتی می‌یابد؟ آیا محکومیت‌های سیاسی بر حق بر آموزش وی از طریق ورود اولیه به دانشگاه اثر می‌نهند یا ادامه تحصیل وی و حقوق ناشی از آن را محدود می‌سازند؟ پاسخ‌های قوانین و مقررات جاری مورد استناد در دادگاه‌ها و نیز مقررات انضباطی و آموزشی در دانشگاه‌ها به این پرسش و رویه‌های عملی در این باره چیست؟

موضوع پژوهش به دلیل برخی برخوردهای امنیتی و کیفری با دانشجویان، پیش و پس از انقلاب اسلامی به تبع ناآرامی‌های سیاسی و تصمیم‌گیری‌های مراجع رسمی صلاحیت‌دار در این باره کاربردی است. در این پژوهش از رهگذر پژوهش کتاب‌خانه‌ای با روش توصیفی و تحلیلی، مقررات موجود دانشگاهی بررسی گردیده و به استناد قوانین کیفری، انضباطی و آموزشی به آن پرسش‌ها پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: آموزش، دانشجو، ایران، محکومیت سیاسی.

مقدمه

حق بر آموزش به عنوان یک حق بشری، نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ بیان شد. بر اساس آن اعلامیه: «آموزش و پرورش، حق همگان است. ... دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت می‌پذیرد».^۱ در کنوانسیون نفی تبعیض در آموزش و پرورش ۱۹۶۰ یونسکو نیز «منظور از واژه «تبعیض»، هر گونه تمایز و تفاوت‌گذاری، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت یا رجحان قائل شدن بر اساس ... دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری است»^۲ و «کشورهای عضو، ملزم به لغو آن دسته از قوانین و دستورالعمل‌هایی شدند که به ایجاد هر گونه تبعیض در روند آموزش و پرورش می‌انجامد».^۳ بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ۱۹۶۶: «... آموزش و پرورش عالی باید به همه وسایل مقتضی به ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد».^۴

در مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی ۱۹۹۰ و اصول اساسی آن سازمان برای رفتار با زندانیان ۱۹۹۰ نیز چنین الزامی در دوره محکومیت به زندان مقرر شده است. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق آموزش در گزارش سال ۲۰۰۹، توسعه قوانین بین‌المللی الزام‌آور و اسناد قانون اساسی یا قانونی را برای تضمین حق آموزش زندانیان توصیه کرده است.^۵ در قوانین حداقلی استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان ۲۰۱۵ آمده است که: «آموزش زندانیان جوان، اجباری است.» در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این حق، اشاره ضمنی شده است.^۶ برخورد پلیس با دانشجویان بر اساس نژاد، قومیت و جنسیت، تبعیض‌آمیز است و ممنوعیت قانونی دارد.^۷

۱. بند ۱ ماده ۲۶.

۲. بند ۱ ماده ۱.

۳. بند الف ماده ۳ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش، ۱۹۶۰.

۴. قسمت ج بند ۲ ماده ۱۳-۱.

۵. www.right-to-education.org/issue-page/marginalised-groups/persons-detention.

۶. بندهای ۳ و ۹ اصول سوم و سی‌ام قانون اساسی.

۷. M. Homer, Emily and W. Fisher, Benhamin, "Police in schools and student arrest rates across the United States: Examining differences by race, ethnicity, and gender", Journal of School Violence, Vol. 19, Issue 2, 2020, pp. 1-13.

گفته‌اند نیکولاس دو کوندورکت^۱، فیلسوف فرانسوی درباره حق بر آموزش در سده هیجدهم میلادی به نظریه پردازی پرداخته است.^۲ از دیدگاه برخی نویسندگان، تضمین این حق درباره زندانیان به مفهوم «ایجاد امید و انگیزه برای بازگشت به جامعه» است.^۳ فارغ از آن مبانی، پژوهشگران همواره درباره چالش‌های عملی میان قدرت و آزادی در حوزه دانشگاه‌ها مناقشه کرده‌اند.^۴

فارغ از مباحث بالا، از یک سو، دانشگاه بر اساس پیش فرض آزادی اندیشه پدید آمده است و حق بر آموزش شهروندان، اعم از داوطلبان ورود به دانشگاه یا دانشجویان شاغل به تحصیل در آن، از رهگذر دوام و تضمین استقلال و هویت دانشگاه عملی می‌شود. از سوی دیگر، مقام‌ها و نهادهای رسمی به استناد لزوم برقراری نظم و امنیت یا حمایت از مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی، اختیارات وسیع قانونی دارند. امکان ورود و مداخله ضابطان قضایی به ویژه نیروهای امنیتی به درون دانشگاه‌ها و کنترل فعالیت‌های دانشجویی یا برخورداری دانشگاه‌ها از نیروهای انتظامی مستقل و درون سازمانی، یکی از این چالش‌هاست.

مصادق دیگر آن چالش‌ها، تعقیب کیفری دانشجو به دلیل ارتکاب جرایم ناشی از فعالیت‌های سیاسی است. آیا پیشینه تعقیب کیفری یک شهروند به خاطر اقدامات سیاسی، وی را از اعمال حق بر تحصیل خود از طریق ورود اولیه به فضای دانشگاه و برخورداری از خدمات علمی و آموزشی آن به طور موقت یا دایم محروم می‌سازد یا مانع از تداوم آن حق در مقطع تحصیلی مربوط (در زمان تعقیب) یا پذیرش و ادامه تحصیل دانشجویی ذی نفع در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌شود؟ قوانین کیفری جاری و مقررات ناظر به دانشگاه و دانشجو و فرآیند ارائه خدمات آموزشی یا تعقیب انضباطی او در این باره چه پاسخی دارند؟

1. Nicolas de Condorcet

2. Torrijo, Hugo Rangel and Marc De Maeyer, "Education in prison: A basic right and an essential tool", International Review of Education, Issue. 65, 2019, pp. 671-685.

3. Vorhaus John, "Prisoners' right to education: A philosophical survey", London Review of Education, Vol. 12, No. 2, 2014, pp.162-174.

4. Lioyd, Rossouw, Lynch, 2014: 2. and Goodman and Niederhoffer 1971: 1-8 and J. Sloan, 2020: 1 and Nandi, at: www.citizendeb.medium.com/can-the-police-enter-the-university-college-campus-without-permission-b0d-cb093d8e9, 2019, p. 2.

به طور کلی، نحوه تعامل ارباب قدرت با شهروندان عادی یا دانشجویان به خاطر پیشینه‌های سیاسی آنان و سطح اثرگذاری این پیشینه بر حقوق آموزشی مربوط، بیانگر سرشت و چهره واقعی قدرت است و بر بخش مهمی از حقوق شهروندی اثر می‌گذارد که با فعالیت‌های سیاسی پیش و پس از ورود به دانشگاه مرتبط است. این امر در درازمدت می‌تواند هویت و کارکرد دانشگاه و دانشجو را تغییر دهد.

گفتار نخست. آثار محکومیت سیاسی بر حق ورود به دانشگاه

آیا پیشینه محکومیت سیاسی یک شهروند، مانع از ورود اولیه وی به فضای دانشگاه برای ثبت نام و استفاده از خدمات آموزشی آن به عنوان مقدمه اعمال حق بر آموزش است؟ پیشینه تاریخی مقررات مربوط به این وضعیت چیست؟

بند اول. سیر تحولات مقررات دانشگاهی مرتبط

از نظر پیشینه تاریخی، همواره نمونه‌هایی از برخورد انقباضی با حق بر آموزش وجود داشته است. در فضای پیش از انقلاب اسلامی، برخی کنترل‌های داوطلبان ورود به دانشگاه، پیش و پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد از رهگذر استناد به پیشینه کیفری دانشجویان به ویژه محکومیت‌های سیاسی و امنیتی آنان به چشم می‌خورد.

پس از انقلاب اسلامی نیز در وهله نخست بر اساس لایحه قانونی انحلال هیئت‌های امنای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی^۱، همه هیئت‌های امنای تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی، غیردولتی و خصوصی، منحل و وظایف شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و دبیر کل آن به طور موقت به هیئتی مرکب از وزیر علوم و فرهنگ و هنر و وزرای مشاور در سازمان برنامه و طرح‌های انقلاب واگذار شد. در گام دوم بر اساس لایحه قانونی مربوط به پاک‌سازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارت خانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی،^۲ پاک‌سازی کارکنان همه دستگاه‌های اجرایی از جمله کارمندان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها آغاز گردید. بنا به مصوبه ۵۹/۱/۲۹ شورای یادشده، از

۱. مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۱۳.

۲. مصوب ۱۳۵۸/۶/۷.

۱۵ خرداد آن سال نیز دانشگاه‌ها تعطیل شدند. در بیست و سوم خرداد هم به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، ستاد انقلاب فرهنگی پدید آمد و بدین ترتیب، تا آذر ۱۳۶۱، انقلاب فرهنگی روی داد.

احساسات انقلابی هواداران رژیم اسلامی تازه تأسیس، برخی فعالیت‌های گروه‌های برانداز، خطرهای احتمالی فراروی نظام نوین و تحریکات بیگانگان، اولیای امور را بر آن داشت که نظارت‌های مربوط به جلوگیری از مخالفان به دانشگاه را تشدید کنند. از این رو، بازگشایی دانشگاه‌ها به پالایش اخلاقی و سیاسی استادان و نیز دانشجویان ورودی جدید بر اساس مقرراتی مانند آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها^۱ و آیین‌نامه انضباطی دانشجویان^۲ وابسته شد. به نفی مبارزه سیاسی یا نظامی با نظام جمهوری اسلامی نیز در زمره برخی ملاک‌های پالایش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها در آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها استناد گردید.^۳

درباره شرط «عدم مبارزه سیاسی یا نظامی با نظام» مقرر شد که: «ملاک عدم مبارزه، حال فعلی داوطلب ورود به دانشگاه است و در صورتی که در گذشته، سابقه مبارزه سیاسی یا نظامی با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، پذیرش او به دانشگاه، مشروط است به احراز توبه وی».^۴ اشتها به فحشا و فساد اخلاقی و نیز مبارزه با نظام از طریق معیارهایی از جمله پیشینه محکومیت به زندان اثبات می‌شود و به مثابه ملاکی برای عدم احراز صلاحیت ورود داوطلب به دانشگاه به آن استناد می‌گردد. علاوه بر آن، «در مورد سوابق سیاسی... داوطلبان باید از نهادهایی چون وزارت آموزش و پرورش و دادستانی عمومی و دادسرای انقلاب و وزارت اطلاعات کتباً استعلام شود...».^۵

روند گزینش دانشجویان به داوطلبان ورود به دوره‌های کارشناسی ارشد،^۶ دکترا^۷ و دستیاری گروه پزشکی^۸ گسترش یافت. در مورد اخیر به شرایط «عدم مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران به جز

۱. مصوب ۹ و ۱۳۶۳/۱۱/۱۶.

۲. مصوب ۱۳۶۴/۵/۱ با اصلاحات بعدی.

۳. بندهای ۱ تا ۳ قسمت الف آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها.

۴. تبصره قسمت الف همان.

۵. بند ۲ قسمت ب همان.

۶. آیین‌نامه گزینش عمومی داوطلبان ورود به دوره‌های کارشناسی ارشد، مصوب ۱۳۶۴/۵/۲۹.

۷. اولویت‌ها و شرایط گزینش داوطلبان دوره‌های دکتری، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۴.

۸. اولویت‌ها و شرایط گزینش اخلاقی داوطلبان دستیاری گروه پزشکی، مصوب ۱۳۶۴/۶/۱۲.

در صورت احراز توبه^۱ استناد شد. در مقررات گزینش داوطلبان کارشناسی ارشد^۱ نیز همان شرایط در قالب «احراز عدم ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران و لزوم احراز تغییر نظری و نیز نداشتن سابقه عضویت در ساواک و فراماسونری و أعقاب آن» بیان شد. در اصلاحات بعدی آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، «عدم احراز ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران»^۲ شرط شد به این نحو که: «اگر داوطلبی عملاً بر ضد نظام جمهوری اسلامی باشد و یا صریحاً اظهار عدم قبول نظام را بنماید، مردود شود».^۳ هم‌چنین به دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و بازرسی کل کشور اعلام شد که: «احکام نهایی صادرشده توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو... بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است و... نهادهای مذکور نبایستی با این مصوبات مخالفت نمایند و احکام مذکور را مورد سؤال و تردید قرار دهند».^۴

در ضوابط گزینش داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی نظامی^۵ به طور دقیق‌تری به این موضوع پرداخته شد و «نداشتن سوابق محکومیت سیاسی و جزایی»^۶ و «عدم گرایش و وابستگی (چه در گذشته و چه در حال) به احزاب و سازمان‌ها و گروهایی که قانوناً فعالیت آن‌ها ممنوع اعلام شده است»^۷ جزو شرایط ورود به آن دانشگاه‌ها اعلام شد. به اذعان به امکان اشتباه در گزینش دانشجو یا احراز تواب بودن وی در زمان‌های بعدی و محفوظ ماندن حق وی به ورود به دانشگاه نیز در برخی مقررات تصریح گشت.^۸ در یکی از آخرین مقررات ناظر به گزینش دانشجو،^۹ «معاندین با نظام جمهوری اسلامی (و نه معترضین)»^{۱۰} در زمره اشخاص محروم از ورود به دانشگاه قرار گرفتند. مصادیق

۱. مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۰.

۲. بند ۲ اصلاح شرایط گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، مصوب ۱۳۶۵/۴/۱۰.

۳. توضیح پیرامون ضوابط گزینش دانشجو، مصوب ۱۳۶۵/۶/۱۱.

۴. درباره احکام نهایی صادره توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی دانشجویان، مصوب ۱۳۶۵/۶/۱۱.

۵. مصوب ۱۳۶۵/۶/۱۸.

۶. بند ۶ قسمت الف ضوابط گزینش داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی نظامی ۱۳۶۵.

۷. بند ۸ قسمت الف همان.

۸. اتخاذ تصمیم در مورد استفسار از برخی مراتب احراز توبه در امر گزینش دانشجو، مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۷.

۹. ضوابط گزینش دانشجو، مصوب ۱۳۶۷/۳/۱۷ و ۱۳۶۷/۳/۲۴.

۱۰. قسمت ج بند ۱ ضوابط گزینش دانشجو.

عناد و فساد اخلاقی^۱ نیز به ترتیب به «مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی ایران، داشتن وابستگی تشکیلاتی به گروه‌های محارب، پرداخت کمک مالی به گروه‌های محارب یا هواداری تشکیلاتی نمودن از آن گروه‌ها یا داشتن عضویت در آن‌ها، تبلیغ ماتریالیسم و ادیان ساختگی»^۲ و «اعتیاد به مواد مخدر و اشتها به فحشا»^۳ تعبیر شد.

در مورد داوطلبان دارای پیشینه همکاری با گروه‌های محارب نیز به طور تفصیلی مقرر شد: «... کسانی که سابقه فعالیت در گروه‌های محارب داشته‌اند، اگر تاریخ این فعالیت به قبل از خرداد ماه سال ۱۳۶۰ مربوط شود و پس از آن، این فعالیت متوقف شده باشد، توبه شخص محرز و مقبول شناخته می‌شود. در مورد کسانی که با حزب منحل توده همکاری داشته‌اند، زمان صدور اطلاعیه دادستانی باید در نظر گرفته شود. ... کسانی که پس از خرداد سال ۱۳۶۰ در گروه‌های محارب فعالیت داشته‌اند، در آن صورت، توبه ایشان باید احراز شود. در مورد کسانی که با حزب منحل توده همکاری داشته‌اند، تاریخی که باید در نظر گرفته شود، زمان صدور اطلاعیه دادستانی است.»^۴ در مورد دانشجویان تعلیقی و کسانی که قبلاً در گزینش مردود شناخته شده‌اند، «شهادت دو شاهد مورد وثوق برای احراز توبه آن‌ها»، کافی دانسته شد.^۵

در سال‌های بعد، قانون‌گذار با تصویب قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور^۶ کوشید با سامان‌دهی نظام پذیرش دانشجو، صلاحیت‌های انحصاری خود را باز یابد و سیطره شورای عالی انقلاب فرهنگی را در این زمینه کم‌رنگ سازد. بر اساس الحاقات بعدی آن قانون: «حق بر آموزش جزو حقوق اساسی افراد است و هیچ کس را نمی‌توان به عذری غیر از عدم صلاحیت علمی مقرر، از آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی از جمله آموزش عالی منع کرد».^۷

۱. مصوب ۱۳۶۷/۳/۱۳.

۲. بندهای ۱ تا ۴ قسمت الف مصادیق عناد و فساد اخلاقی مصوب ۱۳۶۷.

۳. بندهای ۱ و ۲ قسمت ب همان.

۴. شیوه گزینش در رابطه با ضوابط گزینش دانشجو، مصوب ۱۳۶۷/۴/۷.

۵. احراز توبه در رابطه با دانشجویان تعلیقی و کسانی که قبلاً در گزینش مردود شناخته شده‌اند، مصوب ۱۳۶۷/۴/۷.

۶. مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۰.

۷. لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، مصوب ۱۳۹۲.

البته آن لایحه، اشخاص دارای سابقه محکومیت کیفری قطعی در جرایم سازمان یافته قاچاق انسان، محاربه حدّی و جاسوسی برای کشور متخاصم را در طول مدت محرومیت تبعی اجتماعی، از آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی در مؤسسات آموزش عالی دولتی، محروم و همه قوانین و مقررات عام و خاصی را که شرایطی جز صلاحیت علمی برای بهره‌مندی از حق آموزش مقرر کرده‌اند، صرف نظر از مرجع و زمان تصویب، ملغی اعلام کرد. لایحه یادشده با وجود رد شدن از سوی کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی به دلیل مغایرت با قانون اساسی در سال ۱۳۹۳ از نظر تأکید بر اصالت حق بر آموزش و به رسمیت نشناختن محدودیت فراوری آن به جز صلاحیت علمی قابل تأمل بود. برخی استثنائات آن لایحه از جمله «محاربه حدّی» و «جاسوسی برای کشور متخاصم» با موضوع پژوهش حاضر مرتبطند. در عمل، رد آن لایحه، رفع موانع نامتعارف فراروی عدالت آموزشی را ناکام گذاشت و مقررات سخت‌گیرانه پیشین هم چنان مجری است و به ویژه از رهگذر روند متداولی موسوم به «ستاره‌دار کردن دانشجویان» صورت می‌پذیرد که در غیاب آرای قطعی مراجع صلاحیت‌دار قضایی قابل تأمل است.

بند دوم. تحلیل انتقادی مقررات مرتبط

به نظر می‌رسد مقررات ناظر به کنترل پیشینی داوطلبان ورود به دانشگاه از چند منظر قابل تأمل باشد:

۱. ارزیابی از نظر مرجع تصویب

آن طور که ملاحظه می‌شود، همه ضوابط مربوط به ورود به دانشگاه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده‌اند، در حالی که اصولاً مجلس شورای اسلامی، منشأ قانون‌گذاری است.^۱ از این رو، وضع قوانین موجد حق و تکلیف در صلاحیت انحصاری آن مرجع است و آن شورا یا نهادهای دیگر نمی‌توانند به وضع و اجرای قانون یا شبه آن دست بزنند. نظر به موجد حق و تکلیف بودن مقررات مربوط و تصریح نکردن قانون اساسی در اصل ۸۵ به اختیار قانون‌گذاری آن شورا، صلاحیت آن مرجع در وضع آن مقررات به چالش کشیده می‌شود. علاوه بر آن، مقررات مصوب آن شورا نمی‌تواند «حق بر آموزش» مندرج در اسناد بین‌المللی و مورد پذیرش قانون‌گذار ملی را نقض، محدود یا مشروط سازد. تأیید ضمنی اسناد یادشده پس از انقلاب اسلامی، این ادعا را تصدیق می‌کند.

۱. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی.

۲. ارزیابی از نظر مفاد مقررات

در مقررات ناظر به شرایط ورود به دانشگاه به جز ضوابط گزینش داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی نظامی^۱ به شرط «پیشینه محکومیت به زندان» به عنوان یک مجازات فعالیت‌های سیاسی برای عدم احراز آن معیارها تصریح نشده است. از این رو، به صرف استناد به گزارش‌های نهادهای امنیتی یا قضایی نمی‌توان حق بر آموزش را محدود کرد. از سوی دیگر، اطلاق شرط «عدم مبارزه سیاسی با نظام جمهوری اسلامی» به عنوان معیار عدم احراز صلاحیت ورود به دانشگاه، بدون توجه به حقوق شهروندی مقرر در قانون اساسی از جمله اصول هشتم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و ششم، بیست و هفتم و نیز قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر^۲ قابل تأمل است.

پس بهتر آن است که محکومیت قطعی به استناد آرای دادگاه‌ها آن هم نه صرفاً به خاطر فعالیت سیاسی، ملاک قرار گیرد و همواره اصل آزادی آموزش و ممنوعیت تبعیض دینی و یا سیاسی در آن حوزه در نظر گرفته شود. البته به شرح پیش‌گفته، شرط عدم «مبارزه سیاسی» در مقررات بعدی، شامل «معاندین نظام و نه صرفاً معترضان به آن» شد که از نظر کاستن از دایره مشمولان آن مفهوم تحولی مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، ضوابط گزینش دانشجو در زمان حاضر نیز هم‌چنان لازم‌الاجرا هستند؛ هر چند با لحاظ ثبات نسبی نظام سیاسی، حساسیت‌ها و خطرهای احتمالی دهه شصت دیگر چندان موضوعیت ندارند.

گفتار دوم. آثار محکومیت‌های سیاسی بر ادامه تحصیل دانشجو

پرسش اصلی این قسمت آن است که در فرض احراز صلاحیت یک شهروند برای ورود به دانشگاه و آغاز دوره تحصیل وی در صورت تعقیب کیفری و محکومیت او به خاطر فعالیت‌های سیاسی. فارغ از محکومیت به دلیل ارتکاب جرایم عمومی (در حوزه‌های سیاسی و امنیتی) یا جرایم مرتبط با فعالیت دانشجویی. حق بر آموزش وی چه سرنوشتی می‌یابد؟

اکنون به برخی از مقررات مرتبط می‌پردازیم.

۱. مصوب ۱۳۶۵/۶/۱۸.

۲. ماده ۸، مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳.

بند اول. سیر تحولات ناظر به دانشجویان تعلیقی

با بروز انقلاب فرهنگی، به منظور پاک‌سازی دانشجویان ناهم‌سو با ارزش‌های حاکم از طریق هواداری از گروه‌های برانداز، عضویت در آن گروه‌ها یا تبلیغ آن‌ها، در وهله نخست، روند آموزش آنان به حالت تعلیق در آمد و به حضور آن‌ها در دانشگاه پایان داده شد. با بازگشایی دانشگاه‌ها، مقررات و مراجعی ویژه برای تجویز بازگشتن یا بازنگشتن آنان به دانشگاه به تصویب رسید. برخی از داوطلبان، پیشینه تعقیب امنیتی یا کیفری به خاطر هواداری از آن گروه‌ها یا عضویت در آن‌ها داشتند و برخی دیگر نداشتند. اکنون آن مقررات، مراجع و کارکرد آن‌ها بررسی می‌شوند.

۱. تشکیل مراجع تشخیص و قبول توبه

در اقدامی ویژه، نهادهای رسمی «تشخیص و قبول توبه» برای احراز صلاحیت ورود به دانشگاه برای دانشجویان تعلیقی به ویژه مرتکبان تخلفات و جرایم امنیتی و سیاسی تشکیل شدند. در راستای تسهیل ادامه تحصیل آن‌ها مقرر شد: «... همه دانشجویان تعلیقی به شرط توبه کردن و قبول توبه ایشان می‌توانند به دانشگاه برگردند و به تحصیلات خود ادامه دهند... در مواردی که محلی برای توبه نیست، احراز برائت این دانشجویان از وابستگی‌های سیاسی غلط سابقشان کفایت می‌کند»^۱. هیئتی فراقوه‌ای برای تشخیص و قبول توبه و تأیید برائت این دانشجویان، مرکب از نماینده دادستان انقلاب تهران، نماینده وزارت اطلاعات، نماینده زندان‌ها، نماینده کمیته انضباطی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل^۲ گشت و کمیته مرکزی انضباطی دانشجویان به عنوان مرجع تشکیل دهنده این هیئت تعیین شد.^۳ آن هیئت، بعدها منحل و کمیته مرکزی تشخیص توبه دانشجویان تعلیقی، جایگزین آن گردید.^۴

۱. ترتیب ادامه تحصیل دانشجویان تعلیقی، مصوب ۱۳۶۵/۸/۶.

۲. قسمت ج همان.

۳. مرجع تشکیل دهنده هیئت تشخیص و قبول توبه و تأیید برائت دانشجویان تعلیقی، مصوب ۱۳۶۵/۹/۱۱.

۴. انحلال هیئت تشخیص و قبول توبه دانشجویان تعلیقی و تشکیل «کمیته مرکزی تشخیص توبه دانشجویان تعلیقی» به جای‌گزینی آن، مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۲۸.

۲. تصمیمات ناظر به دانشجویان تعلیقی

بر اساس مقررات آن هیئت: «دانشجویانی که پرونده‌هایشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت، عبارتند از: ... دانشجویانی که حکم نهایی شورای مرکزی پذیرش را مبنی بر اخراج از دانشگاه دریافت کرده‌اند و خواهان تجدید نظر در حکم مذکور می‌باشند. ... دانشجویانی که به دلیل زندانی بودن پرونده‌ای برای آنان توسط شورای پذیرش سابق تشکیل نشده است و پس از آزادی از زندان، خواهان ادامه تحصیل می‌باشند، برای مشخص کردن عملکرد افراد پس از اخراج از دانشگاه و وضعیت فعلی ایشان، تحقیقاتی توسط افراد کارشناس به عمل خواهد آمد و در صورت ضرورت، مصاحبه حضوری نیز توسط هیئت انجام خواهد شد. پس از بررسی مندرجات پرونده که از وزارت اطلاعات واصل خواهد شد و نیز نتایج تحقیق و مصاحبه، هیئت با توجه به یک یا دو مورد از موارد ذیل می‌تواند به دانشجو اجازه دهد تا به تحصیل خود در دانشگاه ادامه دهد»^۱.

اقدامات جبرانی دانشجویان تعلیقی مانند اظهار برائت از فعالیت‌های منتسب، محکوم کردن خط مشی گروهک‌ها، نبود هیچ‌گونه فعالیت‌های مبنی بر وابستگی یا رابطه گروهی از دانشجو بعد از اعلان ندامت یا برائت، تأیید توسط یک یا چند نفر از افراد موثق، حصول نتیجه مثبت از بررسی وضعیت متهم (نتیجه تحقیق) در مدت محرومیت از تحصیل، نتیجه مثبت از مصاحبه حضوری با دانشجو، اعلام رضایت هر یک از نهادهای اطلاعاتی یا انتظامی یا قضایی از متهم، معرفی کردن خود (فرد متهم) به نهادهای مربوط قبل از دستگیری و در صورت دستگیری فرد، تأیید شورای سرپرستی زندان‌ها یا ارگان‌های اطلاعاتی و دادستانی یا حاکم شرع مبنی بر برائت یا توبه دانشجو یا داشتن صلاحیت ادامه تحصیل^۲ در زمره ابزارهای احراز صلاحیت وی برای بازگشت به دانشگاه و ادامه آموزش بود.

هم‌چنین این اشخاص در صورت احراز صلاحیت، امکان بازگشت به دانشگاه و ادامه تحصیل را یافتند: «دانشجویانی که به موجب حکم اولیه و یا تجدید نظر شورای پذیرش دانشگاه‌ها از ادامه تحصیل محروم شده‌اند و حداکثر تا ۶۳/۴/۳۱ به این احکام اعتراض نموده‌اند و یا این‌که به دلیل

۱. آیین‌نامه بررسی پرونده‌های دانشجویان تعلیق شده و نحوه تشخیص توبه و احراز برائت ایشان، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲.

۲. تبصره‌های ۱ و ۲ همان.

موجه، امکان اعتراض برای آن‌ها نبوده است و دانشجویانی که به دلیل بازداشت و یا زندانی شدن، امکان ثبت نام در موعد مقرر برای آن‌ها نبوده و یا این‌که وقفه‌ای در ادامه تحصیل آن‌ها به وجود آمده است، مشروط بر این‌که این دانشجویان بلافاصله بعد از آزادی از زندان اقدام برای ثبت نام کرده و خواستار ادامه تحصیل شده باشند.^۱ بر آن اساس، «غیبت افرادی که قبل از دستگیر شدن از دانشگاه غیبت داشته باشند»، موجه تلقی نشد^۲ و «آن دسته از دانشجویان که سابقه دستگیری و یا زندانی شدن را ندارند، پس از سپردن تعهد مبنی بر عدم فعالیت سیاسی سوء مورد عفو قرار می‌گیرند و می‌توانند ادامه تحصیل بدهند و بقیه افراد (که دارای سابقه بازداشت یا زندان می‌باشند)، چنان‌چه مشمول حداقل یک مورد از موارد ذیل بشوند، بنا به تشخیص هیئت مورد عفو قرار خواهند گرفت و پس از سپردن تعهد (توسط دانشجو و ولی وی) می‌توانند ادامه تحصیل بدهند؛ تأیید توبه فرد توسط حداقل دو نفر از افراد موثقی که شناخت کافی و بی‌واسطه از دانشجو داشته باشند؛ نتیجه مثبت از مصاحبه حضوری با دانشجو و تحقیق از وضعیت وی پس از آزادی از زندان؛ اعلام رضایت شورای سرپرستی زندان‌ها و یا دادستانی و یا وزارت اطلاعات از وضعیت فرد در زندان و یا پس از آن».^۳

۳. ارزیابی کارکرد نهاد تشخیص توبه

در ارزیابی نهایی، کارکرد مراجع تشخیص توبه و قبول آن قابل تأمل است؛ چون اصولاً بر اساس آموزه‌های دینی، توبه در برابر خداوند^۴ یا اجرای قوانین کیفری، ناظر به اثبات و اجرای حدود در محضر حاکم شرع^۵ به عمل می‌آید و تعمیم کارکرد آن به دیگر حوزه‌ها چندان وجاهتی ندارد. این استدلال، حداقل در مورد دانشجویان تعلیقی فاقد پیشینه بازداشت یا محکومیت کیفری و امنیتی، درست است که ابزار توبه با وجود نقض اقتضائات اصل برائت برای احراز بی‌گناهی آنان و در نهایت،

۱. مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه رسیدگی به وضعیت دانشجویان تعلیقی که تکلیف آن‌ها از نظر مراجعه به موقع روشن نیست، مصوب ۱۳۶۷/۵/۱۸.

۲. تبصره ۱ همان.

۳. همان.

۴. تحریم: ۸.

۵. ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

جواز بازگشت به دانشگاه و ادامه تحصیل به کار گرفته شد.

بند دوم. رویه مقرر در مقررات انضباطی دانشجویان

از زمان تأسیس دانشگاه در ایران، به منظور مدیریت رفتار دانشجویان در فضاهای آموزشی، مجموعه مقررات انضباطی ویژه‌ای به تصویب رسیده که شیوه‌نامه انضباطی مصوب ۱۳۹۸ و نیز دستورالعمل اجرایی انضباطی مصوب ۱۴۰۱، آخرین مورد آن‌هاست و برخی صاحب‌نظران، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بیان کرده‌اند.^۱ در چند مورد از مقررات انضباطی دانشجویان، اثرگذاری محکومیت سیاسی بر حقوق آموزشی دانشجو به چشم می‌خورد.

۱. محکومیت به زندان به تبع ارتکاب تخلفات انضباطی

برخی از تخلفات انضباطی دانشجویان از جمله «دادن اطلاعات خلاف واقع یا کتمان واقعیات از روی عمد نسبت به خود، گروه‌های محارب، مفسد یا افراد وابسته به آن‌ها»،^۲ «هواداری یا تبلیغ به نفع گروهک‌ها و مکاتب الحادی»،^۳ «عضویت در گروهک‌های محارب، مفسد، ملحد یا فرقه‌های انحرافی»،^۴ «توهین به شعار و مقدسات اسلامی یا ملی، ادیان رسمی کشور یا ارتکاب اعمالی بر ضد نظام جمهوری اسلامی...»^۵ و «ایجاد بلوا و آشوب»^۶ در زمره مصادیق «تخلفات سیاسی» اعلام شده‌اند. کاربرد واژگان موسعی مانند «مفسد»، «ملحد» و «انحرافی» و نیز محوریت نهادهای امنیتی و نه مقام‌های قضایی در احراز آن تخلفات، از جمله کاستی‌های آن مقررات به شمار می‌رود.^۷ تخلفات رایانه‌ای و مخابراتی و مجازی به ویژه در قالب «تهیه سایت‌ها و وبلاگ‌های ضد امنیت

۱. مرادخانی، فردین و محمودی، جواد، «تحلیلی انتقادی بر شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان»، فصل‌نامه حقوق اداری، شماره ۲۴، ۱۳۹۹.

۲. ماده ۴۰ دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، مصوب ۱۴۰۱.

۳. ماده ۴۱ همان.

۴. ماده ۴۲ همان.

۵. ماده ۴۳ همان.

۶. ماده ۴۴ همان.

۷. یوسف‌نیا، سحر، «تحلیل فرآیند تعقیب انضباطی دانشجویان در ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴.

ملی»^۱ نیز ذاتاً جزو دسته‌بندی تخلفات سیاسی به شمار می‌رود.

فعل و ترک فعل‌های یادشده به موازات سرشت تخلف انضباطی، ماهیت کیفری نیز دارند و تعقیب کیفری آن تخلفات اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، آن مجازات‌ها به تبع تعقیب انضباطی می‌تواند به محکومیت دانشجویان به تحمل مجازات‌های کیفری امنیتی یا صرفاً جرم سیاسی بیانجامد.

از منظر دیگر، با وجود تصریح قانون اساسی به لزوم تعریف جرم سیاسی،^۲ این امر با بیش از سه دهه تأخیر در قالب قانون جرم سیاسی^۳ صورت پذیرفت. صرف نظر از ارائه نشدن هیچ‌گونه ملاک و ضوابط دقیق و مشخصی برای آن جرم در قانون اخیر،^۴ اصولاً رویه جاری چند دهه اخیر مبنی بر تعقیب انضباطی دانشجویان به استناد عنوان «تخلف سیاسی» در غیاب قانون ویژه تعریف جرم سیاسی و متمرکز بر تفکیک آن از جرایم عادی و صرفاً امنیتی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل قانون‌مندی اختیارات مقامات عمومی، ناسازگار شمرده می‌شود. در عمل، همه جرایم ارتكابی، تا پیش از تصویب قانون تعریف جرم سیاسی ۱۳۹۵، امنیتی شمرده شده و بر این اساس، مورد تعقیب قرار گرفته‌اند.

علاوه بر آن، چون به تعبیر حقوق‌دانان: «جرم سیاسی علیه دولت و با اهداف ایدئولوژیک صورت می‌گیرد»،^۵ تخلفات سیاسی مندرج در مقررات انضباطی نیز به تبع آن چنین سرشتی دارند. از این رو، در پرتو این ویژگی و موسع بودن آن تخلفات، برای حقوق آموزشی دانشجویان، افق مطلوبی متصور نیست.

۲. تعلیق حقوق آموزشی به خاطر محکومیت سیاسی

در یک موضع‌گیری روشن، اثر یکی از مجازات‌های ناشی از ارتكاب انواع جرایم و از جمله جرایم سیاسی؛ یعنی بازداشت یا محکومیت به زندان این طور بیان شده است: «در صورت پی‌گرد یا

۱. ماده ۳۲ همان.

۲. اصل یک‌صد و شصت و هشتم.

۳. مصوب ۱۳۹۵.

۴. کرمی، داود و کرامتی معز، هادی، «قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ در بوته نقد»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، دوره دوازدهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۵.

5. Hagan, Political crime, Boston: Alyn and Baron, 1997, p. 133.

محکومیت قطعی قضایی که منتهی به بازداشت موقت یا حبس شود، مدت بازداشت یا حبس، جزء سنوات دانشجوی محسوب نگردیده و دانشجوی پس از پایان مدت محکومیت می‌تواند ادامه تحصیل نموده و دانشگاه به نحو مقتضی نسبت به ادامه تحصیل دانشجوی مساعدت می‌نماید. چنان‌چه مدت محکومیت، از مدت مجاز مقطع تحصیلی بیش‌تر باشد، دانشگاه نحوه ادامه تحصیل را با موقعیت جدید آموزشی تطبیق می‌دهد»^۱.

بر اساس آن مقرر، روند آموزش دانشجوی محکوم به تحمل زندان در مدت اجرای آن مجازات به تعلیق درمی‌آید و پس از زندان دوباره تداوم می‌یابد و مبنای تعقیب کیفری (به خاطر ارتکاب جرایم عمومی سیاسی یا جرایم مرتبط با تخلفات سیاسی مندرج در آیین‌نامه انضباطی) و نهایتاً دلیل محکومیت دانشجوی به زندان اهمیتی ندارد. از این رو، ادامه تحصیل وی پس از دوره محکومیت یادشده به طور قهری و در غیاب ضوابط گزینش مورد استناد در دهه ۶۰ صورت می‌پذیرد. هم‌چنین مقرر شده است: «آثار تنبیهات قطعی برای تخلفات انضباطی که با صدور حکم قضایی اثبات شده باشد، بعد از رفع اثر قضایی از جرم، وفق مفاد ماده مزبور قابل امحاست»^۲. عبارت «بعد از رفع اثر قضایی از جرم»، ناظر به مدت زمان اثرگذاری مجازات‌های کیفری است.^۳

علاوه بر این قوانین کیفری، از ظرفیت برخی صلاحیت‌های مراجع زیرمجموعه دانشگاه برای مدیریت دوره زندان دانشجوی می‌توان بهره برد. برای نمونه، در مقررات کمیسیون بررسی موارد خاص دانشگاه‌ها،^۴ عبارت «موارد خاص». به مثابه فلسفه وجودی آن کمیسیون. به «وضعیت دانشجویانی گفته می‌شود که جریان تحصیل آنان به خاطر عللی خارج از اراده و اختیار آن‌ها که در تحصیلشان مؤثر بوده، با مشکل مواجه گردیده و حل آن با مقررات و آیین‌نامه‌های موجود ممکن نیست...»^۵. کمیسیون مرکزی موارد خاص نیز در موارد خارج از صلاحیت کمیسیون بدوی صلاحیت

۱. تبصره ماده ۱۱۳ آیین‌نامه انضباطی دانشجویان.

۲. تبصره ۲ همان.

۳. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

۴. آیین‌نامه اجرایی کمیسیون بررسی موارد خاص دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۱۶.

۵. ماده ۱ همان.

دارد.^۱ اختیارات آن کمیسیون در مورد مدت زمان بازداشت منتهی به منع پی‌گرد یا براءت دانشجوی به ویژه در مورد اتهامات امنیتی و سیاسی وی قابل استناد و راه‌گشاست.

۳. تشخیص مراجع امنیتی یا قضایی درباره توقف یا تداوم حقوق آموزشی

بر اساس مقررات انضباطی جاری، مقام‌های قضایی یا امنیتی در طول تحصیل دانشجویی از اختیار فوق‌العاده تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت تحصیل یک دانشجو برخوردارند: «در صورتی که مراجع امنیتی یا قضایی تشخیص به صلاحیت یا عدم صلاحیت تحصیل دانشجویی بدهند، باید مراتب را کتباً با ذکر نوع و میزان تخلف به کمیته مرکزی انضباطی ارسال کنند تا کمیته مرکزی انضباطی بر اساس موارد ارائه‌شده، در خصوص ادامه یا عدم ادامه یا چگونگی تحصیل دانشجو تصمیم‌گیری کند. به هر حال، مرجع تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت تحصیل دانشجویان، کمیته مرکزی انضباطی است».^۲

در یک تحلیل انتقادی، اگر چه کمیته مرکزی انضباطی به مثابه یک نهاد زیرمجموعه وزارت خانه‌های علوم یا بهداشت و مرجعی شبه قضایی. در این باره به تصمیم‌گیری نهایی می‌پردازد، ولی واگذاری تشخیص اولیه صلاحیت یا عدم صلاحیت ادامه تحصیل یک دانشجو به مراجع قضایی در غیاب یک رأی کیفری پیشین، مبنی بر محکومیت قطعی او به مجازات‌های ناشی از اقدامات سیاسی و متمایز نبودن جرایم کیفری (که نشان‌دهنده حوزه اقتدارات حاکمیتی است) از حقوق شهروندی (که حاکمیت را در چارچوب قانون و حقوق شهروندی مقید می‌سازد)، خطری فراروی حق بر آموزش اوست. این نقد بر اختیار یادشده مراجع امنیتی به دلیل ماهیت و سمت و سوی گاه ایدئولوژیک تصمیمات آن‌ها به مراتب، بیش‌تر وارد است.

از یک منظر مخالف، محرومیت از آموزش مندرج در آن مقرر در حکم مجازات‌های تکمیلی مندرج در متون کیفری است که به تبع محکومیت کیفری پیشینی دانشجو به عمل می‌آید. این استدلال از آن رو نادرست است که اصولاً مجازات‌های تکمیلی به تصریح قانون‌گذار بستگی دارد و صرفاً در اختیار مقام قضایی صلاحیت‌دار است، نه این‌که به شرح آن مقرر، مراجع قضایی یا امنیتی، عدم

۱. ماده ۶ همان.

۲. ماده ۱۲ آیین‌نامه انضباطی دانشجویان.

صلاحیت تحصیل دانشجویان را تشخیص دهند. از سوی دیگر، رأی تکمیلی، نیازمند درج در رأی اصلی و قطعی کیفری است، در حالی که متن بالا، بخشی از آیین نامه انضباطی و نه جزئی از قانون مجازات اسلامی است. افزون بر آن، مجازات‌های تکمیلی به طور قهری اعمال می‌شوند، در حالی که در این جا، تشخیص مراجع قضایی، از جنبه نظری، تنها در قالب یک پیشنهاد به عمل می‌آید که تصمیم‌گیری نهایی درباره آن با کمیته مرکزی انضباطی، به مثابه یک مرجع شبه قضایی، است. صلاحیت آن کمیته در تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت دانشجویان برای تداوم تحصیل خود در فرض برخورداری آن مرجع از استقلال، در نظر گرفتن اصالت حق بر آموزش و اقتضائات آن و استناد به اسناد الزام‌آور بین‌المللی مربوط، مثبت ارزیابی می‌شود.

علاوه بر آن، قانون مجازات اسلامی، «منع از اقامت در محل یا محل‌های معین»^۱ و «منع از اشتغال به شغل»^۲ را در زمره مجازات‌های تکمیلی برشمرده است. در مورد این استدلال که دادرس مربوط در استناد به آن‌ها برای اعمال محدودیت بر حقوق آموزشی دانشجوی محکوم به مجازات‌های سیاسی صلاحیت دارد، باید گفت ماهیت بنیادین و غیر قابل نقض بودن «حق بر آموزش» ایجاب می‌کند گسترش آن اختیارات به حقوق دانشجوی محکوم به مجازات سیاسی پذیرفته نشود و در صورت لزوم، تنها دانشگاه محل تحصیل دانشجوی تغییر یابد. درج عنوان «الزام به تحصیل»^۳ و نه محرومیت از آن در آن قانون، به عنوان یک مجازات تکمیلی، این ادعا را تصدیق می‌کند؛ یعنی اصولاً دادرس صلاحیت دار بایستی به «الزام به تحصیل» و نه به محرومیت از آن رأی دهد. هم چنین برخی تضمین‌های مربوط به حق بر آموزش در زمان گذراندن دوره مجازات‌های ناشی از اقدامات سیاسی، نشان‌دهنده تداوم آن حق، ولو در دوره محکومیت اوست.^۴

فارغ از آن، ایراد بنیادین عدم صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در وضع قواعد و مقررات حقوقی موجد حق و تکلیف به شرح قسمت پیشین در این باره هم‌چنان وجود دارد. از این رو، مجریان و نهادهای سیاست‌گذار اجرایی نمی‌توانند در مقام جرم‌انگاری یا تسری ماهیت جرم به

۱. قسمت ب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

۲. قسمت پ همان.

۳. قسمت ژ همان.

۴. مواد ۹۰ و ۹۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۴۰۰.

تخلفات صنفی قرار گیرند.

گفتار سوم. آثار محکومیت سیاسی بر دیگر حقوق آموزشی

دانشجویان به تبع حق بر آموزش، ارتباط با دانشگاه و اقتضائات زیست دانشجویی به برخی فعالیت‌های صنفی، علمی یا سیاسی نیز می‌پردازند. پرسش این قسمت آن است که آیا پیشینه ارتکاب جرایم سیاسی و محکومیت به استناد آن جرایم در مقررات دانشگاهی جاری، مانع از فعالیت‌های دانشجویی پیش‌گفته به شمار می‌رود یا خیر؟

بند اول. اثرگذاری بر عضویت در انجمن‌های علمی

درباره دانشجویان داوطلب عضویت در انجمن‌های علمی مقرر شده است: «در موردی که فرد دارای محکومیت انضباطی منجر به توبیخ کتبی و درج در پرونده یا بالاتر است، تشخیص صلاحیت داوطلبی بر عهده معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه است»^۱. در فرض این‌که محکومیت انضباطی یادشده به دلیل فعالیت‌های سیاسی بوده و به موازات آن نیز تعقیب کیفری مقتضی به عمل آمده باشد، اعطای اختیار به معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه از چند جهت قابل تأمل است:

نخست. اعطای اختیار به یک مقام درون دانشگاهی برای تشخیص صلاحیت ورود یا عدم ورود دانشجوی دارای پیشینه محکومیت سیاسی به انجمن علمی با اقتضائات دانشگاهی و استقلال آن، بیش‌تر متناسب است تا آن‌که این تشخیص به مقامات یا نهادهای بیرون دانشگاهی سپرده شده باشد.

دوم. پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک مقام دانشگاهی احتمالاً در این تشخیص بسیار اثرگذار است. اگر این تشخیص با لحاظ اصل استقلال دانشگاه و تقدم آزادی‌های دانشجویی و سیاسی و آزادی بیان بر جرم‌انگاری‌های هوادار مطلق بودن قدرت به عمل آید، به نفع دانشجوی ذی‌نفع خواهد بود. در غیر این صورت، اگر چه در ظاهر، یک مقام درون دانشگاهی، متولی این تشخیص است، اما در عمل، مراجع بیرون دانشگاهی اثرگذارند.

بند دوم. اثرگذاری بر عضویت در تشکل‌های اسلامی

درباره دانشجویان داوطلب عضویت در تشکل‌های اسلامی، علاوه بر شرط «اعتقاد و التزام عملی به

۱. بند ۴ ماده ۲۴ آیین‌نامه تأسیس و فعالیت انجمن‌ها و اتحادیه‌های انجمن‌های علمی دانشجویی، مصوب ۱۳۹۶/۷/۳۰.

اسلام، ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی»^۱ مقرر شده است: «کسانی که به موجب ماده ۷ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی از حق تأسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیئت رهبری آن محرومند، نمی‌توانند به عنوان هیئت مؤسس، تقاضای صدور پروانه برای ایجاد تشکل در مراکز آموزش عالی نمایند».^۲

در یک ارزیابی انتقادی، بر خلاف مورد پیشین، پیشینه‌های سیاسی دانشجوی متقاضی عضویت در تشکل‌های اسلامی که اصولاً کارکرد سیاسی دارند، بسیار اثرگذار است. به ویژه، عدم احراز «اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه» و نیز استناد به «الزامات مقرر در ماده ۷ قانون احزاب» می‌تواند مانع از عضویت دانشجوی دارای آن پیشینه‌ها در تشکل‌های اسلامی باشد.

بند سوم. اثرگذاری بر عضویت در شورای صنفی

عضویت در شورای صنفی دانشگاه مستلزم «نداشتن حکم قطعی محکومیت در کمیته انضباطی» است^۳ و «در صورت هر گونه محکومیت عضو شورای صنفی در شورای انضباطی، عضویت وی لغو می‌گردد».^۴ بر این اساس، پیشینه محکومیت انضباطی دانشجو و به ویژه تعقیب کیفری وی به خاطر ابعاد مجرمانه فعالیت‌های سیاسی مطلقاً مانع از عضویت او در شوراهای صنفی است و علاوه بر آن، محکومیت انضباطی (یا به تبع آن، کیفری) در دوره عضویت نیز مانند شمشیر داموکلس بر سر دانشجو هست و می‌تواند آن عضویت را ملغی سازد. چنین رویه‌ای سخت‌گیرانه است و محکومیت‌های یاد شده را به مثابه داغ ننگی پاک‌ناشدنی جلوه می‌دهد که با لحاظ عبارات مطلق و تفسیربردار مربوط به ممنوعیت‌های فعل و ترک فعل‌های سیاسی در مقررات انضباطی و قانون مجازات اسلامی می‌تواند دفاع از حقوق صنفی دانشجویی را تا حد زیادی منتفی سازد.

بند چهارم. اثرگذاری بر تقاضای پروانه نشریه دانشگاهی

درباره دانشجویان متقاضی صدور پروانه نشریه دانشگاهی، شرط «عدم محکومیت منجر به توبیخ

۱. قسمت الف بند ۳-۱ آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان، مصوب ۱۳۷۸/۶/۹.

۲. بند ۳-۲ آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان، مصوب ۱۳۷۸/۶/۹.

۳. بند ۲ ماده ۱۴ آیین‌نامه شورای صنفی دانشجویان دانشگاه‌های کشور، ۱۳۹۵/۲/۷.

۴. تبصره ۲ ماده ۱۴ همان.

کتبی و درج در پرونده یا بالاتر»^۱ و در مورد مدیر مسئول آن نشریه نیز شرایط «عدم محکومیت منجر به توبیخ کتبی و درج در پرونده یا بالاتر...»^۲ بیان شده است.

در یک ارزیابی انتقادی باید گفت چون تخلفات نشریات دانشجویی، همان جرایم مندرج در قانون مطبوعات است،^۳ امکان تعقیب کیفری دانشجوی متخلف در مراجع کیفری نیز وجود دارد. از سوی دیگر، تصریح مقررات بالا به لزوم عدم محکومیت انضباطی دانشجویان متقاضی صدور پروانه نشریه دانشگاهی و نیز مدیرمسئول آن به «توبیخ کتبی و درج در پرونده یا بالاتر»، بیانگر سخت‌گیری فاحشی در اعطای این امتیاز به دانشجویان ذی‌نفع است. از این رو، با لحاظ کارکرد نشریات دانشجویی در آزاداندیشی و نقد قدرت حاکم و ارائه راه حل‌های علمی و عقلایی برای حل مشکلات جامعه، این سطح از سخت‌گیری به ویژه با لحاظ پیشینه محکومیت‌های سیاسی از رهگذر اجرای مقررات انضباطی یا قانون مجازات اسلامی قابل توجیه نیست.

بند پنجم. اثرگذاری بر داوطلبی برای دانشجوی نمونه

داوطلب شدن برای انتخاب به عنوان دانشجوی نمونه مستلزم «عدم سابقه محکومیت قطعی از شورای انضباطی یا مراجع قانونی ذی‌ربط» است.^۴ این شرط مطلق و بدون لحاظ مراتب محکومیت‌های انضباطی یا کیفری، سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد.

بند ششم. اثرگذاری بر استفاده از بورس‌های خارجی

در مقررات مربوط، «نداشتن محرومیت از حقوق اجتماعی به موجب آرای مراجع قانونی و سابقه محکومیت کیفری مؤثر» جزو شرایط عمومی متقاضیان اعلام شده است.^۵ به دلیل اطلاق عبارات مربوط به تخلفات و جرایم سیاسی در مقررات انضباطی و قوانین کیفری و اختیار وسیع دادرسان در

۱. بند ۲ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی، ۱۳۸۶.

۲. بندهای ۲ و ۵ ماده ۱۴ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی، ۱۳۸۶.

۳. ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی، مصوب ۱۳۸۳/۳/۲۶.

۴. بند ۸ ماده ۲ آیین‌نامه جشنواره دانشجوی نمونه، ۱۳۹۸.

۵. بند ۲-۳ ماده ۳ دستورالعمل بهره‌مندی از بورس‌های تحصیلی اعطایی از دول خارجی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (بورس دول)، مصوب ۱۳۹۵.

محرومیت محکومان از حقوق اجتماعی، چنین شرطی می‌تواند ناظر به محکومیت‌های سیاسی یا کیفری به خاطر سوابق و اقدامات سیاسی نیز تلقی و مانع از برخورداری از امتیاز یادشده شود.

بند هفتم. اثرگذاری بر استفاده از خوابگاه دانشجویی

دانشجویانی که به هر دلیل، رابطه آموزشی آنان با دانشگاه قطع شده باشد، از جمله تعلیق انضباطی، حق استفاده از خوابگاه را ندارند.^۱ استفاده از حقوق رفاهی به ویژه برخورداری از خوابگاه در زمره حقوق ناشی از حق بر آموزش است. بدیهی است به ویژه محکومیت انضباطی یا به موازات آن، تعقیب کیفری دانشجو به خاطر اقدامات سیاسی در عمل می‌تواند حق بر استفاده از خوابگاه را که ضامن آرامش فکری و مادی اوست، از وی سلب کند. از این رو، این مقررات، سخت‌گیرانه و منافی اقتضائات حق بر آموزش ارزیابی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

دسترسی به حق بر آموزش به ویژه در سطوح آموزش عالی، افق آینده مطلوب کشورها را تضمین می‌کند. از سوی دیگر، ارتکاب جرایم عمومی یا مرتبط با شأن علمی و دانشگاهی دانشجویان و فعالیت‌های مرتبط با آن می‌تواند دستاویزی برای تعقیب انضباطی یا کیفری آنان به شمار آید.

تعادل میان نظم عمومی از یک سو و تضمین آزادی‌های اندیشه، بیان و وجدان از سوی دیگر به ویژه در فضاهای دانشگاهی، کاری دشوار است. این هدف در نبود یا ضعف بستر حقوقی و سیاسی برای حمایت از آزادی‌های علمی و اندیشه آزاد یا وجود پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک برای توسعه دانش و خردورزی به مراتب، دست‌نیافتنی‌تر است.

محکومیت دانشجویان به مجازات‌های سیاسی به مثابه یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های کیفری، فارغ از آن‌که به دلیل ارتکاب جرایم عادی یا به استناد فعالیت‌های مرتبط با شأن دانشگاهی آنان باشد، بر روند آموزشی آن‌ها اثر می‌گذارد. در پژوهشی که گذشت، آثار محکومیت‌های سیاسی بر حقوق آموزشی آنان در ایران از رهگذر قوانین کیفری، مقررات انضباطی و آموزشی بیان و ارزیابی شد.

پس از انقلاب اسلامی به ویژه آغاز دهه ۶۰، برخی تنش‌های امنیتی به مرزبندی عقیدتی، سیاسی و

۱. ماده ۲۶ آیین‌نامه خوابگاه‌های دانشجویی، مصوب ۱۳۹۸.

امنیتی در حوزه‌های مختلف از جمله دانشگاه و مباحث مرتبط با آن؛ یعنی حق بر ورود به آن و ادامه آموزش کشیده شد. در یک ارزیابی کلی، اعمال محدودیت‌های دینی، عقیدتی و سیاسی، فراروی تحقق حق بر آموزش در دوره‌های دانشگاهی به استناد محکومیت‌های پیشینی به مجازات‌های کیفری برای داوطلبان ورود به دانشگاه و نیز دانشجویان در حال تحصیل، چندان با الزامات مقرر در اسناد بین‌المللی سازگار نیست. از این رو، تسهیل و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی به ویژه در فضاهای دانشگاهی می‌تواند افق مطلوب حق بر آموزش را بیش از پیش روشن‌تر سازد و به سلیقه‌گرایی در استناد به مرزبندی‌های عقیدتی، سیاسی و امنیتی برای محروم‌سازی اقلیت‌های ناهم‌سو پایان دهد.

در عمل، ناکام ماندن اقدام دولت وقت در اصلاح «قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» از رهگذر منحصر کردن گزینش وی به صلاحیت علمی و محدود کردن اختیارات دانشگاه‌ها و نهادهای مرکزی گزینش به ویژه مقامات امنیتی و نیز تعلل ناپذیرفتنی قانون‌گذار در تصویب قانون تعریف جرم سیاسی و در نهایت، ارائه قانونی مبهم و استمرار تعقیب امنیتی جرایم ذاتاً سیاسی، غلبه انگاره‌های ایدئولوژیک سیاسی بر شایستگی علمی و آزادی‌های صنفی دانشجویی، محدود و ممنوع‌سازی ورود به دانشگاه یا ادامه تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی به دلیل سوابق امنیتی و نیز تعقیب دانشجویان در مراجع امنیتی و قضایی به استناد عناوین انضباطی موسوم به «تخلفات سیاسی» نشان می‌دهد که موانع حق بر آموزش هم‌چنان جاری و ساری است و نمی‌توان افق مطلوبی برای رفع آن متصور شد. تغییر نوع نگاه به دانشگاه و شناسایی استقلال آن و به ویژه حق بنیادین شهروندان بر آموزش می‌تواند در تحول این موضوع، نقش بارزی ایفا کند.

در پایان، حق بر دسترسی آزاد به اطلاعات به مثابه حقی که به استناد آن «هر یک از اعضای جامعه بتوانند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشند که در یکی از مؤسسات عمومی یا مؤسسات خصوصی ارائه دهنده خدمات عمومی، نگهداری می‌شود» می‌تواند ضمن آن که سطح مطالبه‌گری شهروندان دینفع در پیگیری دلایل محرومیت خود از تحصیل را بالا ببرد، از قانون‌ستیزی

۱. مشهدی، علی، دبیرنیا، علیرضا و بیدار، آزاده، «تأملی بر نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات»،

و سلیقه‌گرایی مجریان بکاهد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) مقاله

۱. مشهدی، علی، دبیرنیا، علیرضا و بیدار، آزاده، «تأملی بر نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری: Doi: 10.22034/MRAL.2023.1990029.1439
۲. مرادخانی، فردین و محمودی، جواد، «تحلیلی انتقادی بر شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان»، فصل‌نامه حقوق اداری، شماره ۲۴، ۱۳۹۹.
۳. کرمی، داود و کرامتی معز، هادی، «قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ در بوته نقد»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، دوره دوازدهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۵.

ب) پایان‌نامه

۱. یوسف‌نیا، سحر، «تحلیل فرآیند تعقیب انضباطی دانشجویان در ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴.

ج) اسناد بین‌المللی

شورش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
۲. کنوانسیون منع تبعیض در آموزش و پرورش، ۱۹۶۰.
۳. میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ۱۹۶۶.
۴. مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، ۱۹۹۰.
۵. اصول اساسی سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان، ۱۹۹۰.
۶. مقررات سازمان ملل درباره حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان، ۲۰۱۵.

د) قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸.

۲. لایحه قانونی انحلال هیئت‌های امنای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی و غیر دولتی و خصوصی، ۱۳۵۷.
۳. لایحه قانونی مربوط به پاک‌سازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارت خانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، ۱۳۵۸.
۴. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.
۵. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، ۱۳۹۴.
۶. قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، ۱۳۹۲.

د) مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی کمیسیون بررسی موارد خاص دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۱۳۷۴ با الحاقات بعدی.
۲. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۴۰۰.
۳. آیین‌نامه گزینش هیئت علمی رسمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۱۳۶۴.
۴. آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، ۹ و ۱۳۶۳.
۵. آیین‌نامه گزینش عمومی داوطلبان ورود به دوره‌های کارشناسی ارشد، ۱۳۶۴.
۶. اولویت‌ها و شرایط گزینش داوطلبان دوره‌های دکتری، ۱۳۶۵.
۷. اولویت‌ها و شرایط گزینش اخلاقی داوطلبان دستیاری گروه پزشکی، ۱۳۶۴.
۸. شرایط گزینش داوطلبان کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها (فوق لیسانس)، ۱۳۶۴.
۹. اصلاح شرایط گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، ۱۳۶۵.
۱۰. توضیح پیرامون ضوابط گزینش دانشجو، ۱۳۶۵.
۱۱. درباره احکام نهایی صادره توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی دانشجویان، ۱۳۶۵.
۱۲. ضوابط و شیوه گزینش داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی نظامی، ۱۳۶۵.
۱۳. شیوه گزینش در رابطه با ضوابط گزینش دانشجو، ۱۳۶۷.
۱۴. احراز توبه در رابطه با دانشجویان تعلیقی و کسانی که قبلاً در گزینش مردود شناخته شده‌اند، ۱۳۶۷.
۱۵. ترتیب ادامه تحصیل دانشجویان تعلیقی، ۱۳۶۵.
۱۶. مرجع تشکیل دهنده «هیئت تشخیص و قبول توبه و تأیید برائت دانشجویان تعلیقی، ۱۳۶۵.

۱۷. انحلال هیئت تشخیص و قبول توبه دانشجویان تعلیقی و تشکیل کمیته مرکزی تشخیص توبه دانشجویان تعلیقی به جایگزینی آن، ۱۳۶۵.
۱۸. آیین‌نامه بررسی پرونده‌های دانشجویان تعلیق شده و نحوه تشخیص توبه و احراز برائت ایشان، ۱۳۶۵.
۱۹. آیین‌نامه رسیدگی به وضعیت دانشجویان تعلیقی که تکلیف آن‌ها از نظر مراجعه به موقع روشن نیست، ۱۳۶۷.
۲۰. شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، ۱۳۹۸.
۲۱. آیین‌نامه تأسیس و فعالیت انجمن‌ها و اتحادیه‌های انجمن‌های علمی دانشجویی، ۱۳۹۶.
۲۲. آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان، ۱۳۷۸.
۲۳. آیین‌نامه شورای صنفی دانشجویان دانشگاه‌های کشور، ۱۳۹۵.
۲۴. دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی، ۱۳۸۶.
۲۵. ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۲۶. دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، ۱۴۰۱.

2. English Source

1. Vorhaus, John, "Prisoners' right to education: A philosophical survey", London Review of Education, Vol. 12, No. 2, 2014.
2. Torrijo, Hugo Rangel and Marc De Maeyer, "Education in prison: A basic right and an essential tool", International Review of Education, Issue. 65, 2019.
3. M. Homer, Emily and W. Fisher, Benjamin, "Police in schools and student arrest rates across the United States: Examining differences by race, ethnicity, and gender", Journal of School Violence, Vol. 19, Issue 2, 2020.
4. Hagan, F. E., Political crime, Boston: Allyn and Baron, 1997.

The effects of political convictions on the educational rights of Iranian students

Javad Mahmoudi¹

Abstract

The right to education at the level of higher education includes entering of students in Universities and various educational levels and includes other sub-rights, such as benefiting from educational, welfare, trade union services, publication of student publications, establishment of political, trade and scientific associations and so on. At the same time, they can be prosecuted for political crimes from the point of view of current criminal laws and disciplinary regulations. The main question of the upcoming research is that if a student is convicted for those crimes, what will happen to his educational rights? Do the political condemnations on the right to his education through the initial entrance to the university, or do they limit the continuation of his education and the rights arising from it? What are the answers of the current laws and regulations cited in the courts as well as the disciplinary and educational regulations in the universities to this question and the practical procedures in this regard? The subject of the research is practical because of some security and criminal dealings with students before and after the Islamic revolution, following the political unrest and the decisions of competent official authorities in this regard. In this research, those questions have been answered through library research with descriptive-analytical method, existing academic regulations, review and reference to criminal, disciplinary and educational laws.

KeyWords: Education, student, Iran, political condemnation

1. Shahrekord University, mahmoudi.javad@sku.ac.ir